

بِسْمِ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری

مهرانه بختباری



## انواع مسئولیت:

انسان حقیقتاً در برابر خداوند، پاسخگو است باید توجه داشت که خداوند انسان را نسبت به برخی چیزها مسئول کرده است و آن را در راستای مسئولیت در قبال خود قرار داده است. بطور کلی انسان، در برابر خود، خانواده و جامعه، مسئول می باشد که در ادامه مختصراً به این وظایف و مسئولیت ها اشاره می کنیم:

**الف- مسئولیت در برابر خود:** انسان در مقابل خود مسئول دو چیز است؛ اولاً مسئول حفظ و نگهداری سرمایه هایی که به او داده شده است که آن ها را تضییع نکند. ثانیاً مسئول بهره برداری و حداکثر استفاده از نعمت هایی که به او داده شده است. مسئولیت هایی که انسان در برابر خویش دارد به مسئولیت در برابر نفس، عقل، امور فطری، غرایز و شهوات و اعضاء و جوارح، تقسیم می شود. انسان در برابر نفس خویش مسئول است که آن را در راه اطاعت خداوند بکار گیرد. امام سجّاد (ع) در رساله حقوق می فرمایند: «وَحَقُّ نَفْسِكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ «حَقِّ نَفْسِت این است که در طاعت خدا بکارش بندی» عقل نیز بر انسان حقوقی دارد، از جمله این که قرآن در بسیاری از آیات ما را به تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و شد شب و روز دعوت می کند و آن را از نشانه های خردمندان می شمارد. و می فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ «همانا در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و شد شب و روز، برای خردمندان، نشانه هایی است» از سوی دیگر دین اسلام پیروان خود را از اندیشه های هوس آلود که علاوه بر بی ثمر بودن انسان را به وادی گناه سوق می دهد بر حذر داشته است. یکی دیگر از مسئولیت های انسان در برابر امور فطری است از جمله حقیقت جویی؛ که انسان را به کشف حقیقت سوق می دهد و خیر اخلاقی؛ که موجب می شود انسان به سوی کسب فضایل گام برداشته و از بدی ها و رذایل دوری کند. هم چنین زیبا پسندی؛ که موجب می شود هر فردی در درون خود کشش و جاذبه ای به سمت زیبایی ها، حس کند و بدین وسیله معرفت بیشتری به خالق این زیبایی ها پیدا کند. و احساس عشق و پرستش به موحود برتر؛ که با هدایت آن می توان از سقوط این میل فطری در ورطه عشق های مجازی جلوگیری کرد و به سوی خداپرستی روی آورد. تمام این امیال فطری، نیاز به تربیت و هدایت دارند تا در مسیر صحیح قرار گرفته و به رشد و شکوفایی برسند و این در صورتی میسر است که از تعالیم انسان ساز دین مبین اسلام بهره مند شویم.

## موانع مسئولیت پذیری در محیط مدرسه و ارائه راه کار

- ۱- تبعیض گذاشتن بین دانش آموزان به این صورت که مثلاً به برخی از افراد، مسئولیت هایی داده شود و یا توجه بیشتری به آن ها شود؛ این امر موجب می شود که سایر دانش آموزان برای شرکت در فعالیت های گروهی، رغبتی از خود نشان ندهند.
- ۲- جذاب نبودن فعالیت های مدرسه موجب گریز از مسئولیت می باشد و موجب می شود دانش آموزان یا مسئولیتی را نپذیرند و یا با اکراه و بی رغبتی، مسئولیتی را به عهده بگیرند.
- ۳- تکیه بر بعد آموزشی و غفلت از جنبه های پرورشی باعث گریز از مسئولیت است؛ چرا که وقتی اولیاء و مربیان ملاک پیشرفت تحصیلی را در نمره خوب گرفتن بدانند، در جهت امور پرورشی کوشش چندانی صورت نمی گیرد.
- ۴- سختگیری در محیط مدرسه، روحیه مقاومت و مخالفت و فرار از اجرای تکلیف را تشدید می کند و باعث می شود شاگرد در مقابل دستورات معلم کار شکنی کرده و بی تفاوت و بی مسئولیت باشد.
- ۵- روش تدریس معلم محوری؛ که در این روش دانش آموز غیرفعال است؛ چرا که تنها نقش شنونده به او داده شده؛ لذا او هیچ مسئولیتی در کلاس حس نمی کند.
- ۶- فقدان روح همکاری بین مسئولان مدرسه موجب می شود این روحیه به شاگردان منتقل شده و وحدت اجتماعی محیط مدرسه که لازمه مشارکت جویی و مسئولیت پذیری است خدشه دار شود. برخی از راه های ایجاد حس مسئولیت پذیری در محیط مدرسه عبارتند از:
  ۱. تشویق دانش آموزان به عضویت در گروه ها و دستجات مدرسه.
  ۲. تأکید بر اردوهای دانش آموزی.
  ۳. دوری از تنبیه های ناسالم که موجب از بین رفتن همکاری بین معلم و دانش آموز و کمرنگ شدن حس مسئولیت پذیری و مشارکت جویی در شاگردان می شود.
  ۴. استفاده از نیرو و توان تمام دانش آموزان در مدارس و واگذار کردن مسئولیت به آن ها.
  ۵. مقدم کردن بعد پرورشی مدارس بر بعد آموزشی آن.
  ۶. برگزاری جلسات بحث و انتقاد پیرامون مسائل جاری مدرسه با حضور دانش آموزان و...

موانع مسئولیت پذیری در محیط سیاسی- اجتماعی جامعه و ارائه راه کار:

۱- عدم وجود احزاب قانونی متنوع در جامعه یکی از موانع مشارکت جویی می باشد؛ چرا که بدلیل تنوع علایق و دیدگاه ها، افکار نیز متنوع شده و نمی توان افراد را حول یک حزب واحد جمع کرد؛ چرا که اگر آن ها علاقمند به آن حزب نبوده و از طرفی حزب مورد تمایل خود را نیابند بی تفاوت و منزوی شده و روحیه مشارکت جویی و مسئولیت پذیری خود را از دست می دهند.

۲- اختلاف طبقاتی در جامعه به افراد مرفّه این امکان را می دهد که جهت شرکت در مسائل سیاسی- اجتماعی، فرصت بیشتری داشته باشند و بر عکس طبقات فقیر تر جهت تأمین مخارج زندگی فرصت زیادی برای مشارکت در امور سیاسی- اجتماعی نخواهند داشت؛ لذا با ورود طبقات مرفّه در عرصه های مختلف امکان این حضور برای قشر فقیر در جامعه کمتر شده و در کلّ به روحیه مسئولیت پذیری و مشارکت جویی در جامعه آسیب وارد می شود.

۳- زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند لذا تبعیض بین زنان و مردان و عدم دستیابی بانوان به جایگاه شایسته در جامعه و محرومیت از مسئولیت ها و فعالیت های فرهنگی- اجتماعی، موجب می شود که نیمی از جمعیت جامعه بی اطلاع و ناآگاه باشند و از طرفی این زنان، آگاهانه با ناآگاهانه در تربیت فرزندان خود این تأثیر منفی را می گذارند.

## موانع مسئولیت پذیری در محیط خانواده و ارائه راه کار

- ۱- شیوه تربیت استبدادی که در آن، والدین به نظر نوجوانان و جوانان اهمیت نمی دهند و تنبیه در این شیوه رواج دارد که موجب می شود مهارت هایی مانند دوست یابی، شرکت در فعالیت های اجتماعی و مسئولیت پذیری در کودکان رشد نکند.
- ۲- سرزنش و نکوهش، عامل دیگری است که فرزندان را خاطی می کند و موجب می شود که آتش لجبازی و عدم مسئولیت پذیری در آن ها شعله ور گردد.
- ۳- عدم هماهنگی والدین، موجب می شود فرزندان نیز با دیگران روابط سردی داشته باشند؛ لذا روحیه ناسازگاری در فرزندان درونی شده و مسئولیت پذیری و روحیه تعاون آن ها دچار آسیب می شود.
- ۴- نداشتن تجربه گروهی و بازی های دسته جمعی موجب می شود، روحیه همکاری و تعاون و اشتراک مساعی که یکی از ابزارهای مهم مسئولیت پذیری است در کودکان رشد نکند.
- ۵- فقدان محبت موجب می شود فرد، در تعامل با جامعه دچار مشکل شود و همواره فاصله خود را با دیگران حفظ کند و از همکاری با آن ها اجتناب ورزد و این جزء رفتارهایی است که با روحیه مسئولیت پذیری و مشارکت جویی ناسازگار است. برخی از راه های ایجاد حسّ مسئولیت پذیری در محیط خانواده عبارتند از:
  ۱. تربیت فرزندان به گونه ای که وابستگی کمتری به دیگران داشته باشند.
  ۲. فرزندان کارهای خود را شخصاً انجام دهند و برای مشکلات خود چاره جویی کنند.
  ۳. آموزش زندگی مردم محوری و سازش و تفاهم با دیگران به فرزندان.
  ۴. بچه ها را آگاهانه به مشارکت در گروه های مذهبی، ورزشی، هنری و... تشویق کنیم.
  ۵. در امور مربوط به فرزندان با آن ها مشورت کنیم [۴] و...

## اختلاف نظر روش ها در تشخیص وظیفه

اهمیت شناختن وظیفه و انجام آن در جهان انسانیت، یک وظیفه ای است ثابت و مسلم و هرگز انسانی نمی توان یافت که با فطرت انسانی خود منکر این حقیقت گردد. آری، چون وظایف انسانی ارتباط کامل با سعادت زندگی انسان دارد و دین با روش های غیردینی درباره زندگی انسان اختلاف نظر دارد، قهراً وظایف دینی با وظایف روش های دیگر اختلاف خواهد داشت. دین معتقد است که زندگی انسان یک زندگی نامحدود و بی پایان است که با مرگ از میان نمی رود و سرمایه بخش پس از مرگ این زندگی بی پایان، هما فرآورده عقاید پاک و صحیح و اخلاق پسندیده و اعمال صالحه ای است که انسان در این نشئه پیش از مرگ کسب نموده است.

از این روی در وظایف و تکالیفی که دین برای فرد و جامعه تنظیم کرده زندگی آن جهان جاویدان نیز در نظر گرفته شده است. دین، مقررات خود را در شعاع خداشناسی و پرستش و بندگی خدا - که اثر بارز آن، پس از مرگ و روز رستاخیز جلوه خواهد کرد- وضع می نماید.

روش های غیر دینی - هر چه باشد - تنها زندگی چند روزه این جهان را در نظر می گیرند و برای انسان، وظایفی وضع می کنند که در سایه آن ها از زندگی مادی و منابع جسمانی که میان انسان و سایر حیوانات مشترک است بهتر بتواند بهره برداری نماید. و در حقیقت، یک زندگی حیوانی را با منطقی که از احساسات و عواطف چرندگان و درندگان سرچشمه می گیرد، برای انسان تنظیم می کنند و دیگر توجهی به واقع بینی انسان و زندگی جاوید و مملو از معنویات وی ندارند.

این همه وسایل زندگی بیرون از شمار که امروز در دسترس انسان می بینیم و در راه تحصیل و استفاده از آن ها روز و شب می کوشیم، از نخستین روز در دسترس انسان نبوده و تدریجاً در اثر فعالیت بشر به وجود آمده، مورد استفاده قرار گرفته است. ولی در هر صورت، بشر - از انسان اولی گرفته، تا انسان متمدن امروزی - هرگز از کار و کوشش آرام ننشسته و برای تهیه وسایل زندگی، با فطرت خدادادی خود می کوشیده است، زیرا انسانی که نیروی وجودی او از فعالیت بیفتد و ابزار و جهات داخلی و خارجی او، مانند چشم و گوش و دهان و دست و پا و همچنین مغز و قلب و ریه و کبد او، از کار بماند، جز مرده نخواهد بود.

از این جا است که انسان نه تنها از راه ناچاری کار می کند، بلکه از این جهت که انسان است فعالیت های گوناگون از خود بروز می دهد و برای این که با شعور انسانی خود درک می کند که از هر راه که هست باید سعادت و خوشی زندگی خود را تأمین کند، به کار و کوشش می پردازد و در راه خواسته های خود قدم برمی دارد و هم از این جا است که انسان در هر محیطی و با هر روشی زندگی نماید - دینی یا غیردینی، قانونی یا استبدادی و شهری و یا بیابانگردی - برای خود یک رشته تکالیف و وظایفی (کارهایی که انجام دادن آن در زندگی لازم است) حس می کند که انجام دادن آن ها آرزوهای واقعی انسانیت را بر می آورد و برای وی زندگی خوش و آسوده و سعادت‌مندانه ای را مهیا می سازد.

پایان